

تلاشی سخت و طولانی در پیش است: بحران بدهیها

مترجم: رشید اصلانی

بحران بدهی کشورهای در حال توسعه که دو سال است با سرسختی دنیای بانکداری را به ستوه آورده است، به هیچ روی قصد رفع شدن ندارد. به نظر می‌رسد، یک بار دیگر، مسائل آمریکای لاتین و کشورهای در حال توسعه دیگر از قبیل نیجریه و فیلیپین که از بدهکاران بزرگ به شمار می‌روند، موضوع اصلی اجلاس صندوق بین‌المللی پول باشد، که هفته آینده در واشنگتن تشکیل می‌شود (به تاریخ انتشار مقاله توجه شود - م).

امسال ناهد آن بودیم که چگونه مسائل آرژانتین، سومین کشور بدهکار آمریکای جنوبی با حدود ۴۴ میلیارد دلار بدهی، آشفته‌گی بازار مالی را سبب شد.

آرژانتین با توجه به تصمیم دولت بر بهبود اقتصادی (Economic Recovery)، دریافته است که پذیرش و انطباق با تقاضاهای صندوق بین‌المللی پول دائر بر ریاضت اقتصادی بسیار دشوار است. در نتیجه اقداماتش در جهت تهیه یک برنامه تجدید نظر شده بازپرداخت برای بانک بازرگانی آرژانتین بی‌نتیجه مانده و مبلغ معتدایی از بهره، پرداخت نشده باقی مانده است.

اما، در حالی که برخی کشورها، از قبیل نیجریه، فیلیپین و بولیوی، هنوز از قبول شرایط صندوق بین‌المللی پول طفره می‌روند، اوضاع زیاده‌م بد نیست.

متریک برنامه پرداختهای خود را به نحوی تنظیم کرده است که انتظار ندارد مجبور شود از طلبکاران بانک بازرگانی در سال ۱۹۸۵، پول بیشتری تقاضا نماید. برزیل امسال در حالی پیشروی به سوی یک حدنصاب جدید بازار تجاری خویش است، و انتظار دارد که نیاز پولی اش در سال ۱۹۸۵ به نصف رقم فعلی، یعنی ۶/۵ میلیارد دلاری که امسال از طلبکاران بانک بازرگانی قرض گرفته است، برسد. اما بحران، در واقع از اروپای شرقی سر برآورده است، جایی که لهستان امسال موافقت کرد با بانکهای بازرگانی یک قرارداد بازپرداخت یا برنامه جدید امضا نماید که وامهای یا سررسید تا سال ۱۹۸۷ را در برگردد.

* Peter Montagon. "A long hard slog ahead". *Financial Times*.

Sept. 17/ 1984. P.6

حتی در دورتی که مسائل جدی حل شده باقی ماند. صندوق بین‌المللی پول و بانکداران بانکهای مرکزی و بازرگانی که تا به حال در باره بحران بدهی به اظهار عقیده و ارائه راه حل می‌پرداخته‌اند، می‌توانند، برخی از نظرات خود را تأیید شده بیابند.

تا کنون، برای حل همه‌جانبه مسئله، به یک نهاد بین‌المللی جدید و یا به کمکهای مالی دولتهای غربی به بانکهای رنجور، یا به کشورهای بدهکار، بسیاری احساس نشده است.

در حالی که برخی از کشورهای دی‌ریسط، در مقام نشان دادن واکنش به این‌گونه رفتار برآمده‌اند، ولی امید بر آن است که با برگشت تدریجی این کشورها به سلامت مالی و دستیابی به اعتماد به نفس، در کشورهای دیگر نیز توان انجام چنین کاری رشد پیدا کند.

هنگامی که، در دو سال قبل مکزیک پرداخت بدهیهای خود را متوقف کرد، بانکداران را احساس دردآلودی فرا گرفت. لکن، حال که بدهی این کشور کاهش پیدا کرده است، اگر چه هنوز تلاشی سخت و طولانی در پیش است، برخی از بانکداران می‌توانند امیدوار باشند که نظام مالی کشورهای بدهکار، بهبودپذیری و توان خود را در پرداخت وامها به اثبات رسانیده است.

اما این که بحران بدهی کشورهای در حال توسعه واقعا "تا چه حد حل شده است" سوآلی است بسیار بحث‌انگیز.

بدبینها به آگاهی فزاینده نسبت به ریاضت اقتصادی و نرخ بالای بهره در آمریکای لاتین اشاره می‌کنند که به معنی بلعیده شدن مازاد تجاری هر کشور به عنوان بازپرداخت بدهیهایش به بانکهای خارجی است. اما اگر اقتصاد ایالات متحد حرکت کندتری به خود بگیرد، فروش کالای کشورهای مقروض در بازارهای ایالات متحد، با دشواریهایی روبرو خواهد شد، لذا تأمین مازاد تجاری مقدور نخواهد بود.

سرانجام، هنوز این خطر وجود دارد که بحران، دوباره در سال ۱۹۸۵ شعله‌ور شود. بسویژه این خطر هنگامی بیشتر است که نرخ بهره تا آن موقع کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا نکرده باشد.

بستانکاران غربی با این مسئله، از طریق شعار "تفرقه بینداز و حکومت کن" به مقابله برخاسته‌اند منظور این است که کشورهایی از قبیل آرژانتین کم‌باروش ریاضت صندوق بین‌المللی پول مخالفت می‌کنند و حاضر به همکاری با آنها نیستند منزوی شوند و کشورهایی که در اجرای برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول تلاش قابل قبولی می‌کنند و مجدانه در مسیر بازپرداخت بهره بدهیهای خود کام برمی‌دارند مورد توجه و ملاحظت قرار بگیرند. به همین دلیل قرار است مکزیک قرارداد جدیدی امضاء کند و از طریق یک برنامه جدید ترجیحی، دین ۵۰۰ طلبکار بانک بازرگانی خود را در مدت طولانی‌تری بازپرداخت نماید.

در این فرایند، کل دید نسبت به برنامه‌ریزی مجدد وام تغییر کرده است. آنچه مورد توجه قرار گرفته، چند سال طولانی‌تر شدن مدت بازپرداخت وامهایی است که موعده بازپرداخت آنها رسیده است. قرارداد

جدید، مشکل بازپرداخت را آسانتر کرده و به کشور مقروض فرصت می‌دهد برنامه‌های مالی خود را دقیقتر برنامه‌ریزی کرده و در نتیجه راه را برای گردش سرمایه، لافل، در تجارت کوتاه‌مدت، باز نماید. در عین حال مابه‌التفاوت اصل و بهره پولی که موضوع قرارداد جدید است کاستی می‌گیرد. و در نتیجه هزینه بدهکار کمتر می‌شود. در حالی که دوران بخسودگی و سررسید نهایی طولانی‌تر شده است.

با این طرز نگرش به موضوع، دو مسئله جدی پیش می‌آید: اول، شرایط صندوق بین‌المللی پول است که آن مشکل اختلاف با آرژانتین را پیش آورده است. و دوم، چگونگی تأمین سرمایه کافی است. به نحوی که از طرفی نیاز کشورهای بدهکار را برآورده نماید تا رشد آنها ادامه یابد، و از طرف دیگر همه منابع آنها یکباره به مصرف بازپرداخت بدهی برسد.

از هنگامی که مشخص شده است، نظام مالی ناچار به برخورد با یک مسئله طولی‌المدت است و نه یک کنترل نقدینگی کوتاه مدت (که روش معمول نگرش به بحران بدهی بود) هر دو مسئله فوق‌الذکر اهمیت و فوریت خاصی پیدا کرده است.

برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول برای حل مسئله تراز پرداختهای یک کشور، طبیعتاً "یک دوره" معالجه کوتاه‌مدت را پیشنهاد می‌کند که معمولاً بیش از سه سال به طول نمی‌انجامد. فرض آنها بر این استوار است که کشور مورد نظر، در طی این مدت، تراز پرداختهای خارجی خود را به حد تعادل قابل تحملی خواهد رساند.

برای آمریکای لاتین، این فرآیند، زمان به مراتب طولانی‌تری را شامل خواهد شد. و مفهوم آن چنین است که، صندوق بین‌المللی پول باید رابطه‌اش را با بدهکاران تعدیل نماید، و اعتبار بیشتری در مدت طولانی‌تر در اختیار آنان قرار دهد، بدون اینکه حق استقلال و حاکمیت آنها را در تصمیمات اقتصادی غصب کرده باشد. و تطابق این دو هدف دشوار است و از این رو تا به حال در این زمینه پیشرفت بسیار ناچیزی صورت گرفته است.

در عین حال، نشانه‌های نگران‌کننده‌ای وجود دارد که ریاضت اقتصادی تحمیلی (از سوی صندوق بین‌المللی پول -) بیکره سیاسی برخی از کشورهای بدهکار را پریشان کرده است.

دولتهای برخی از این کشورها، از جمله، شیلی و پرو، خیلی ضعیف شده‌اند. در رژیم نظامی برزیل، که قرار است سال آینده جای خود را به دولت غیر نظامی بسپارد، نیز بیداری فزاینده‌ای، نسبت به این وضع، مشاهده می‌گردد.

بیداری فوق‌الذکر، احتمالاً منجر به انتخاب راه ناهموارتری، از جانب برزیل با بستنکاران خود خواهد گردید، که به نوبه خود برای غرب مسئله دیگری را پیش می‌آورد. زیاده‌روی بستنکاران غربی در تحمیل ریاضت اقتصادی، سرنوشت تکامل تدریجی حکومت برپایه اصول دموکراسی در آمریکای لاتین را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

اگر صندوق بین‌المللی پول در آرزوین سیاست‌هایی را اعمال کند که منجر به کودتای نظامی و استقرار یک حکومت دیکتاتوری نظامی گردد، تصویری که کشورهای جهان سوم از این سازمان در ذهن دارند، به کلی خراب خواهد شد. و اگر برای بازپرداخت بهره وام‌های کشورهای بدهکار، که در حال حاضر بسیار سنگین است و مقدار معتاب‌هایی از سرمایه این کشورها را از کف آنها خارج می‌کند، راه حل بهتری پیدا نشود، که بتواند موجب تخفیف این سنگینی گردد، همه چیز وضع به مراتب بدتر پیدا خواهد کرد.

برنامه‌ریزی‌های جدیدی که ظاهراً "به نفع کشورهای بدهکار عمل می‌کنند، توجه خود را صرفاً" به مسئله سررسید و مدت بازپرداخت معطوف نمودهاست. برای دستیابی کشورهای بدهکار به منبع اعتباری جدید و کاستن از خست فزاینده بانک‌های کوچکتر بستانکار نسبت به ارائه پول بیشتر، کمتر اقدامی شده است.

دولت‌های غربی هر قدر هم که تنگناهای مالی خود را مطرح ساخته و پرداخت کنندگان مالیات را بهانه‌قرار دهند، باز هم ممکن است، پیش از حل مشکل به طور نهایی، محبور شوند در صندوق کشورهای بدهکار پولی قرار دهند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی